

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

صفحات: ۲۰۸-۱۸۵

وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه

ابراهیم مشهدی

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی دبی، امارت متحده عربی.

مسعود بیتانه*

استادیار گروه حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، دزفول، ایران.

موسی موسوی زنوز

استادیار گروه حقوق بین‌الملل عمومی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ایران.

چکیده

کودکان عامل برانگیختن مخاصمات مسلحانه نیستند، اما همواره صدمات زیادی را در این رابطه به صورت گوناگون متحمل شده‌اند. بنابراین از آنجا که بیشترین سهم صدمات ناشی از مخاصمات مسلحانه، متوجه این دسته از غیر نظامیان می‌شود، به همین جهت سازمان‌ها و نهادهای بشردوستانه و دولت‌ها را به اندیشه حمایت از این قشر آسیب‌پذیر واداشته است. پیرامون وضعیت حقوقی کودکان در مخاصمات مسلحانه در اسناد متعددی از جمله در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن، کنوانسیون حقوق کودک، منشور آفریقایی راجع به حقوق و رفاه کودک و قطعنامه‌های شورای امنیت حمایت‌های ضروری را مدنظر قرار داده‌اند. همچنین در آراء مختلف دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا نیز به موضوع حقوق کودکان هم از منظر سرباز گیری و هم از منظر آسیب‌ها در جنگ پرداخته شده که از این منظر شاهد توسعه گفتمان حقوقی حاکم بر وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه هستیم.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، مخاصمات مسلحانه، کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق کودک، حمایت‌های عام و خاص، حقوق بشردوستانه.

مقدمه

شاید اگر بخواهیم در خصوص فجایع جنگ و تأثیرات تألم‌بار و تأسف افزای آن بر افراد به ویژه کودکان مطلبی بنگاریم، گویی روایت تراژدی جنگ جزء لاینفک هر پژوهش در ارتباط با حقوق بشر دوستانه است. جنگ‌های جهانی چیزی جز فقر، فحشاء، زوال اقتصاد، بی‌خانمانی و آوارگی و هزاران مسأله دیگر به ارمغان نیاورده است. در این میان کودکان از آسیب‌پذیری بیشتری رنج برده‌اند. فاجعه جنگ دوم جهانی که طی آن میلیون‌ها غیر نظامی جان باختند، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت تا مقرراتی در حمایت از غیر نظامیان وضع کند که از جمله این مقررات، کنوانسیون‌های ژنو به ویژه کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ است که به این امر اختصاص دارد. این کنوانسیون که در پی وحشت ناشی از حملات هوایی در طول جنگ جهانی تصویب شد، سعی بر آن داشت تا از اشخاص و اموال حمایت نموده و آن‌ها را از حملات هوایی مصون نگه دارد. با این وجود، اذعان می‌شود ارتکاب رفتار مجرمانه علیه کودک مسأله‌ای نیست که به یک جامعه یا یک دوره تاریخی مشخص اختصاص داشته باشد. در جوامع کهن، کودک به مثابه کالا، مملوک و یا عامل اقتصادی و گاه وسیله تفاخر و یا ادامه نسل یا قدرت شناخته می‌شدند (اقلیما، ۱۳۸۲ و باقی، ۱۳۸۴: ۳۰۲) امروزه حقوق کودک و مسائل ناشی از آن، بخش عمده‌ای از متون حقوقی ممالک مترقی جهان را به خود اختصاص داده است. از زمانی که اولین اعلامیه جهانی حقوق کودک (نوری، ۱۳۸۶: ۴۵/۱-۴۴) پس از جنگ جهانی دوم به سال ۱۹۵۹، تدوین و منتشر شد، چهل و یک سال می‌گذرد. در این مدت، تغییرات چشمگیری در زمینه مسائل مربوط به حقوق کودک و رعایت جوانب مختلف آن حاصل گردیده که دیگر افراد نمی‌توانند به میل خود مانع از تحصیل اطفال شوند و یا نسبت به تربیت آنان کوتاهی کرده و آنان را وادار به کار کنند. در حقیقت ما به سوی حقوق جهانی کودکان پیش می‌رویم که با تصویب کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹، کام بزرگی در این زمینه برداشته شده است. با این وجود، نکته قابل تأمل اینکه در کنوانسیون ۱۹۸۹ که تنها کنوانسیون حقوق بشری است که در آن به طور واضح به حقوق بشر دوستانه ارجاع شده است، از تکلیف دولت‌های عضو به حمایت از کودکان در خلال منازعات اشاره داشته، اما از حق کودکان به دریافت چنین حمایت‌هایی سخن به میان نیاورده است (ممتاز و قربان‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۵) البته در دهه‌های اخیر، نظام بین‌المللی به ویژه سازمان ملل بسیار کوشیده تا اجرای عدالت کیفری درباره کودک، پیشگیری از جرایم کودک و حمایت از کودک محروم از آزادی و کنوانسیون حقوق کودک که هر یک تأثیر به‌سزایی بر سرنوشت کودک در جهان بخشیده، اشاره نمود (اردبیلی، ۱۳۷۸: ۳۱۵)، لذا در این مقاله به بررسی این امر می‌پردازیم که مطابق قوانین بین‌المللی وضعیت کودکان در مخصصات مسلحانه به چه نحو

مبانی نظری

در این بخش بدوا و پیش از ورود به مباحث اصلی تحقیق لازم است تا به توصیف برخی واژه‌ها بپردازیم تا به تبیین بهتر موضوع کمک نماید.

۱. مفهوم کودک

کودک از حیث واژه شناختی به معنای کوچک یا خردسال است. (عمید، ۱۳۷۴: ۹۹۱) و از منظر ماده (۱) کنوانسیون حقوق کودک نیز منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

با این حال بسیاری از کودکان در مخاصمات مسلحانه به عنوان سرباز بکارگیری می‌کردند که طبق تعریفی که یونیسف از کودک سرباز ارایه می‌دهد، منظور از کودک سرباز «دختر یا پسر زیر ۱۸ سال است که به نیروهای مسلح رسمی و یا گروه‌های مسلح رسمی و غیررسمی ملحق شده است و در آن نیروها و گروه‌ها اعمال مختلفی را انجام می‌دهد. این اعمال، مشتمل بر موضوعاتی همچون آشپزی، جاسوسی و بردگی جنسی می‌باشد.

دیوان کیفری بین‌المللی در رای مورخ ۱۶ مارس ۲۰۱۲ در رابطه با محکومیت توماس لوبانگو دیلو سرباز گیری کودکان زیر ۱۵ سال و مشارکت فعال آنان را در درگیری مسلحانه را جنایت جنگی تلقی کرده است. بنابراین در مجموع در حقوق بشردوستانه اصولا کودک به اشخاصی گفته می‌شود که کمتر از ۱۵ سال تمام داشته باشند مگر در موارد استثنایی از جمله حداقل ۱۲ سال برای داشتن پلاک هویت و ۱۸ سال برای مجازات اعدام. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۱۲۶)

۲. مخاصمه مسلحانه

در توصیف مخاصمه مسلحانه شعبه تجدید نظر دیوان کیفری برای یوگسلاوی سابق مقرر می‌دارد «مخاصمه مسلحانه زمانی وجود دارد که در روابط میان دولت‌ها به نیروهای مسلح توسل شود و یا در سرزمین یک دولت بین مقامات دولتی و گروه‌های مسلح سازمان یافته مسلح یا میان گروه‌های مذکور درگیری مسلحانه وجود داشته باشد.» (رای تجدید نظر پرونده تادیچ^۱، پاراگراف ۷۰)

^۱. Tadic appeals Decision, para. 70

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سه، زمستان ۱۳۹۹ —

لذا می‌توان گفت مخاصمات مسلحانه به مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی و مخاصمه مسلحانه بین‌المللی تقسیم می‌شود که دو تقسیم‌بندی دیگر یعنی مخاصمه مسلحانه در حکم بین‌المللی و مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده نیز می‌توان به آن افزود.

بر این اساس اگر در یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی کشور ثالثی برخلاف اصل عدم مداخله در آن درگیری مداخله نظامی کند و برای یاری رساندن نظامی به مخالفان حکومت قانونی وارد قلمرو کشور محل درگیری شود، آن مخاصمه تغییر وضعیت یافته و بین‌المللی شده محسوب می‌گردد. (ماده ۳ پروتکل دوم الحاقی کنوانسیون ژنو)

اما اگر مخاصمه مسلحانه‌ای روی دهد که در آن ملت‌ها به مبارزه مسلحانه علیه سلطه استعماری، اشغال خارجی و رژیم نژادپرست بپا خاسته باشند، آن درگیری، هر چند ظاهراً غیر بین‌المللی است، اما در حکم بین‌المللی و تابع قواعد حقوق بشر دوستانه حاکم بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی است، به شرطی که آن درگیری در چارچوب منشور ملل متحد و اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر مناسبات و همکاری دوستانه میان کشورها باشد. (ماده ۱ پروتکل یکم الحاقی و ماده ۲ مشترک عهدنامه چهارگانه ژنو)

۱. انواع خشونت علیه کودکان در مخاصمات مسلحانه

کودکان همانند زنان آسیب‌پذیرترین اقشار جوامع می‌باشند خصوصاً در مخاصمات مسلحانه که میزان امنیت در حد بالایی کاهش می‌یابد و روحیه خشونت‌گری بر روابط متخاصمان حاکم می‌گردد. در چنین شرایطی آنان در معرض بیشترین خطرهای آسیب‌ها قرار می‌گیرند. کودکان حتی بیشتر از زنان تصویر کاملاً نمایانی از قربانیان بیگناه در درگیری‌های مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی را نشان می‌دهند که باید مورد حمایت و احترام واقع شود.

تاکنون دو گزارش مفصل خاص کودکان و مخاصمات مسلحانه از سوی سازمان ملل متحد تنظیم و منتشر شده است که به خوبی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم مخاصمات مسلحانه را بر وضعیت و آینده کودکان نشان می‌دهد. گزارش نخست در سال ۱۹۹۶ با عنوان «تأثیر مخاصمات مسلحانه بر کودکان» توسط خانم «گراچا ماشل» در ۳۱۷ بند تهیه شد که در زمان خود گزارشی جامع و همه‌جانبه بوده است. گزارش دوم پس از ۱۱ سال در دسامبر ۲۰۰۷ در بند ۱۷۲، از سوی مجمع عمومی و شورای امنیت منتشر شده است. این گزارش را می‌توان آخرین وضعیت رعایت یا نقض حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه در نقاط مختلف جهان و تأثیرات آن بر زندگی حال و آینده کودکان دانست که در پی بیانیه ۲۹ ژوئن ۱۹۹۸ رئیس شورای امنیت و قطعنامه‌های شماره ۱۶۱۲ (۲۰۰۵)، (۱۳۷۹)، (۲۰۰۱)، (۲۰۰۳) ۱۴۶۰، (۲۰۰۳) ۱۵۳۹ (۲۰۰۴) شورای امنیت در خصوص اطلاعات درباره میزان رعایت کاهش سربازگیری کودکان یا

استفاده از آنان در درگیری‌های مسلحانه و دیگر نقض‌های شدید حقوق کودکان در خلال منازعات مسلحانه نظیر کشتن، نقص عضو، تجاوز و خشونت‌های جنسی، ربودن، ممانعت از رسیدن کمک‌های بشردوستانه به کودکان و حمله به مدارس و بیمارستان‌ها از سوی طرف‌های درگیر تنظیم شده است. (گزارش سال ۲۰۰۷: پاراگراف ۷-۶) از آنجا که این گزارش جدیدترین وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه را بیان می‌کند در ادامه این گفتار، به ذکر نکات برجسته گزارش بسنده می‌کنیم.

۱.۱. مسایل کلی نگران‌کننده

مسائل نگران‌کننده که در اسناد مذکور بیان شده شامل سربازگیری از کودکان، تجاوز و خشونت جنسی، حملات سازماندهی شده علیه کودکان می‌باشد که در اسناد بین‌المللی و همچنین آراء دیوان کیفری بین‌المللی نیز ملاحظه می‌گردد.

سربازگیری کودکان، یکی از بارزترین خشونت بزرگسالان علیه کودکان است. بسیاری از خانواده‌ها تنها راه فرار از به سربازی گرفتن کودکان خود را در انتقال آنان دیده‌اند. اما فقر خانواده‌ها باعث می‌شود گروه‌های شورشی و مسلح، کودکان را از اردوگاه‌های پناهندگان برای سربازی شکار کنند. این وضعیتی است که در مرزهای برخی از کشورها نظیر کلمبیا، چاد، سودان «جمهوری دموکراتیک کنگو، اوگاندا و رواندا وجود داشته و دارد و کودکان در بدترین اشکال ممکن خرید و فروش می‌شوند (همان، ۷-۶). همچنین تجاوز و خشونت جنسی علیه دختران و پسران به عنوان یک روش تحقیرکننده و یک سلاح جنگی علیه طرف مقابل در آمده است. ۶۰ درصد آسیب‌دیدگان این خشونت در «کیسانجانی» در جمهوری دموکراتیک کنگو، در سنین بین ۱۱ تا ۱۷ سال بودند. در عراق، اسرائیل، فیلیپین و... کودکان به ظن ارتباط با گروه‌های مسلح بازداشت می‌شوند و انواع بدرفتاری، شکنجه، اعترافات اجباری، محرومیت از غذا و تحصیل نسبت به آنان اعمال می‌شود. در اغلب موارد در بازداشتگاه‌های بزرگسالان نگهداری می‌شوند و گاه به اکراه و اجبار به عنوان راهنما و جاسوس در عملیات نظامی بکار گرفته می‌شوند (همان، ۸-۹).

حملات سازماندهی شده و عمدی به کودکان، مدارس و آموزگاران و ساختمان مدارس پدیده‌ای است که در برخی از درگیری‌ها مشاهده شده است. مدارس در افغانستان به ویژه مدارس دختران همچنان توسط طالبان به آتش کشیده می‌شود تا از ادامه تحصیل دختران جلوگیری شود و در عراق خشونت‌های فرقه‌ای از کودکان مدارس، قربانی می‌گیرد. در تایلند حملات به بیش از ۱۰۰ مدرسه و کشتن تعدادی از معلمان، به تعطیلی مدارس منجر شده است (همان، ۱۱-۱۰).

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سه، زمستان ۱۳۹۹ —

گام‌های مثبتی از سوی دیوان بین‌المللی کیفری در اجرای عدالت و تعقیب یا محاکمه متهمان به سربازگیری اجباری کودکان زیر سن ۱۰ سال و مشارکت دادن آنان در جنگ، برداشته شد. تعقیب رهبر اتحاد ملی کونگولی در جمهوری دموکراتیک کنگو و پنج تن از اعضای ارشد «سپاه خداوند برای ییاداری» از جمله رهبر این جنبش (ژوزف کینی) به اتهام ۳۳ مورد جرائم جنگی و جنایت علیه بشریت از جمله سربازگیری اجباری کودکان و نیز محاکمه رئیس یک دولت یعنی «چارلز تیلور» در دادگاه ویژه سیرالئون به اتهام ۱۱ مورد جرائم جنگی و جنایت علیه بشریت از جمله سربازگیری کودکان و مشارکت دادن فعال کودکان در منازعات مسلحانه» پیام‌هایی جدی هستند که اعلام می‌دارند جنایت علیه کودکان بی‌کیفر نخواهد ماند. (گزارش سال ۲۰۱۷: ۱۲). این محاکمات از سوی دیگر از وجود وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای کودکان خبر می‌دهد. در کنار محاکمه و تعقیب، چاره‌جویی‌های پیشگیرانه نیز لازم و ضروری است.

۲.۱. وضعیت‌های خاص

علاوه بر نگرانی‌های کلی فوق، گزارش جدید به تفصیل به وضعیت سربازگیری و انواع خشونت علیه کودکان در محاصرات مسلحانه موجود در مناطق مختلف جهان پرداخته است.

۱.۲.۱. افغانستان

وضعیت نا امن این کشور به دلیل درگیری میان نیروهای دولتی با طالبان از یکسو و حضور نیروهای خارجی به رهبری آمریکا و نیروهای ناتو از سوی دیگر، آثار ناگواری برای کودکان رقم زده است. اطلاعات کامل و درستی از طالبان در استفاده یا سوءاستفاده از کودکان در دست نیست.

ولی این گروه در مواردی از کودکان برای عملیات انتحاری، که در نوع خود پدیده جدیدی است، علیه نیروهای خارجی و دولتی استفاده کرده است. همچنین پاره‌ای از عملیات نظامی علیه مدارس، توسط طالبان انجام گرفته است. در نیمه نخست سال ۲۰۰۷ رفتار خشونت‌آمیز شورشیان به کشته شدن ۹۵۰ غیر نظامی منجر شد که دست کم ۴۹ کشته و ۱۹ مجروح، کودک بودند. عملیات هوایی نیروهای خارجی در این کشور نیز از کودکان قربانی می‌گیرد. در عملیات ۹ مارس ۲۰۰۷ چهار نفر از میان ۹ غیر نظامی کشته شده کودک بودند. همچنین ۶۰ درصد قربانیان ناشی از انفجار بقایای مواد منفجر نشده در افغانستان، کودکانند (گزارش سال ۲۰۱۷: پاراگراف ۲۳-۱۹).

۲.۲.۱. عراق

با وضعیت کنونی امنیت در عراق، دستیابی به اطلاعات و آمار دقیق خشونت علیه کودکان در این کشور دشوار است، ولی روشن است این وضعیت ناامن چه رنج‌ها و مصائبی بر کودکان عراقی تحمیل می‌کند. منابع و آمارهای مقامات دولتی و ملل متحد حاکی از آن است که نیمی از پناهندگان عراقی در خارج از کشور و حدود ۳۸ تا ۴۰ درصد در داخل را کودکان تشکیل می‌دهند. در این کشور، گروه‌های وابسته به القاعده از کودکان در عملیات انتحاری با اتومبیل استفاده می‌کنند. عملیات ۲۱ مارس ۲۰۰۷، که طی آن اتومبیل حامل مواد منفجره از محل بازرسی نیروهای چند ملیتی عبور داده شد، توسط دو کودک انجام گرفت و آن دو کشته شدند. تا اوت ۲۰۰۷ حدود ۸۰۰ کودک بین ۱۲ تا ۱۷ سال، در بازداشت نیروهای چند ملیتی بودند که در عملیات مسلحانه شرکت داشتند و ۳۰ تن از آنان خود به هدایت عملیات می‌پرداختند. تعدادی از کودکان، قربانی بازرسی‌های منازل و حملات هوایی نیروهای چند ملیتی هستند. خشونت‌های قبیله‌ای نیز در جای خود، قربانیان بسیاری از کودکان گرفته است. نظام آموزشی پس از حمله به حرم امام حسن عسگری (ع) و بالا گرفتن خشونت‌های قبیله‌ای، آسیب دید و حملات بسیاری علیه مدارس و آموزگاران انجام گرفت. بنا به گزارش یونیسف ۳۰ درصد کودکان عراقی اکنون به مدرسه نمی‌روند. همانند افغانستان برخی از این حملات به مدارس از این رو انجام می‌گیرد که در این مدارس، مبانی لائیک آموزش داده می‌شود. در مواردی نیروهای چند ملیتی به مدارس هجوم برده‌اند. (همان، ۵۷-۵۲)

۱.۲.۳. لبنان

در لبنان، گزارشی از سربازگیری توسط نیروهای دولتی یا گروه حزب الله گزارش نشده است ولی در اردوگاه «نهرالبارد» که گروه‌های وابسته به القاعده با ارتش لبنان درگیر شدند، به مجروح شدن ۲۰۰ کودک انجامیده است. استفاده گسترده اسرائیل از بمب‌های خوشه‌ای در جنگ ۳۳ روزه با حزب الله باعث رهاشدن مواد منفجره در جنوب لبنان شده است که تهدیدی علیه کودکان بوده و از آنان قربانی می‌گیرد. با وجود این قربانیان، هنوز اسرائیل از ارائه هرگونه اطلاعات درباره کاربرد انواع این بمب و مکان‌های ریخته شدن آن خودداری می‌کند. (همان، ۵۹-۶۱)

۴.۲.۱. فلسطین اشغالی و اسرائیل

وضعیت کودکان در فلسطین اشغالی و بیت‌المقدس شرقی همچنان مخاطره‌آمیز است. علاوه بر حملات اسرائیل، وجود درگیری‌های داخلی میان گروه‌های فلسطینی بر وضعیت

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سه، زمستان ۱۳۹۹ —

مخاطره‌آمیز علیه کودکان افزوده است. از ۱۰۶ فلسطینی کشته شده در سرزمین‌های اشغالی ۵۸ درصد توسط نیروهای دفاع اسرائیل کشته شدند که ۷۴ درصد ناشی از حملات اسرائیل به بخش غزه بوده است. فقط از اول تا هفتم نوامبر ۲۰۰۷، هشت کودک در عملیات موسوم به «ابره‌های پاییز» در بیت حانون کشته شدند. ۲۴ درصد از کودکان کشته شده به علت درگیری میان گروه‌های فلسطینی بوده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که اسرائیل از کودکان فلسطینی بازداشت شده به عنوان همکار در داخل زندان‌ها و پس از آزادی آنان استفاده می‌کند. در مواردی سربازان اسرائیلی آنان را سپر خود در بازرسی منازل قرار دادند و یا به هنگام پرتاب سنگ آنان را در جلوی اتومبیل‌های جیب خود نشانده‌اند. ربودن کودکان فلسطینی، حمله به مدارس و بیمارستان‌ها با استفاده از گاز اشک‌آور و بمب‌های صاعقه نیز گزارش شده است. حدود ۳۶۱ تا ۴۱۶ کودک در بازداشتگاه‌های اسرائیل به سر می‌برند که برخی از آنان ۱۲ سال سن دارند و بیشتر آنان دختر هستند. تعدادی از آنان بدون هیچ اتهامی در بازداشت به سر می‌برند. بازداشت شدگان مورد آزار جسمی و روحی قرار گرفته و به خشونت‌های جنسی تهدید می‌شوند. انتقال زندانیان فلسطینی به صورت منظم از سرزمین‌های اشغالی خود نقض کنوانسیون چهارم ژنو است. ساخت دیوار در فلسطین اشغالی همچنان تأثیرات خود را بر کودکان تشدید نموده و بر فقر آنان افزوده است. تخریب بناها، زیان‌های بسیاری را متوجه فلسطینیان کرده که بیشتر زیان دیدگان کودکانند. منع عبور و مرور از محل‌های بازرسی یا تأخیرهای عمدی، امکان دسترسی به مراکز بهداشتی و خدمات پزشکی را بویژه برای کودکان دشوار کرده و تهدید جدی برای سلامت جسمی آنان است. (همان، ۸۷-۷۸)

۲. خشونت علیه کودکان از سوی نیروهای حافظ صلح و کارمندان ملل متحد

آنچه تاکنون آمد، رعایت و یا نقض حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه از سوی دولت‌ها گروه‌های مسلح وابسته به دولت و یا گروه‌های مسلح غیردولتی است. اما خشونت‌ها و سوءاستفاده‌های رو به افزایش علیه کودکان از سوی نیروهای سازمان‌های بین‌المللی و نیروهای ملل متحد را نباید نادیده گرفت. تا ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۷ سازمان ملل متحد ۱۸ عملیات حفظ صلح را در سراسر جهان مدیریت می‌کند و شکایت‌هایی مبنی بر بهره‌کشی از کودکان و خشونت جنسی علیه آنان دریافت شده است. از ۳۷۱ شکایت سال ۲۰۰۶ تعداد ۳۵۷ مورد آن به سوءاستفاده و خشونت جنسی مربوط بود که نسبت به سال پیش از آن، ۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. در نیمه اول سال ۲۰۰۷ «دفتر خدمات نظارت داخلی» تعداد ۷۲ شکایت از بهره‌کشی و خشونت جنسی از سوی حافظان صلح دریافت کرده است که برخی از آنان نسبت به کودکان بوده است. پس از تحقیقات انجام یافته، مرتکبان خشونت از خدمت منفصل و یا به کشور خود بازگردانده

شدند. (گزارش سال ۲۰۱۷: پاراگراف ۱۳۹)

آنچه در پایان دادن به این نوع خشونت‌ها ضروری است، اتخاذ یک سیاست جامع از سوی ملل متحد و حمایت از قربانیان است. از حافظان صلح بیش از دیگران انتظار می‌رود که حقوق کودکان را رعایت کنند. هر چند کنفرانس دسامبر ۲۰۰۶، با مشارکت اداره عملیات حفظ صلح، دفتر هماهنگی امور انسانی، برنامه توسعه ملل متحد و یونیسف بیانیه‌ای درباره اصول مبارزه با بهره‌کشی و خشونت جنسی و سوءاستفاده از کودکان توسط نیروهای حافظ صلح صادر کرده ولی اینگونه تمهیدات توصیه‌ای نمی‌تواند مانعی جدی در برابر سوءاستفاده‌کنندگان و مرتکبان این اعمال باشد. زیرا بیشتر نیروهای حافظ صلح سربازان دول قدرتمند و یا تحت پشتیبانی آنها هستند. برای جلوگیری اینگونه بهره‌کشی، جدیت بیشتری لازم است. مجمع عمومی ملل متحد به اتفاق آراء توصیه‌هایی صادر کرده است که در یادداشت تفاهم ملل متحد با دولت‌هایی که در عملیات صلح با سازمان همکاری می‌کنند گنجانده شود.

ساز و کارهای پیش‌بینی شده: قطعنامه‌های شورای امنیت به ویژه قطعنامه ۱۶۱۲ سال ۲۰۰۵ «مکانیسم نظارت و گزارش دهی» را درباره نقض حقوق کودکان در مخاصمات مساحانه ایجاد کرده و در دستور کار آن شورا قرار داده است. این ساز و کار به نوبه خود در شناسایی روشمند شش نوع نقض شدید حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه و شناسایی هویت نقض‌کنندگان بی‌تأثیر نبوده است. این روش، علاوه بر تأثیرات بازدارندگی خود، به افزایش سطح آگاهی‌های بین‌المللی در موضوع حقوق کودکان و مخاصمات مسلحانه کمک کرده است. (گزارش سال ۲۰۱۷: پاراگراف ۱۴۶-۱۴۵) ولی در خصوص مرتکبان خشونت علیه کودکان به فشار و جدیت بیشتری نیاز است. افزون بر این، باید تمهیداتی در حمایت از زیان دیدگان و قربانیان اینگونه رفتارها اندیشید. کودکان پس از بازگشت به خانواده و در رسیدن به وضعیت عادی با دیگران در اجتماع، به کمک‌های بیشتری نیاز دارند. تجربه نشان می‌دهد چنانچه ترخیص کودکان از سربازی با حمایت‌های روشمند و هدفمند بعدی همراه نباشد، تضمینی وجود ندارد که دوباره به سربازخانه‌ها باز نگردند.

۱.۲. خشونت علیه دختران و زنان

در جریان منازعات مسلحانه و ناامنی ناشی از این درگیری‌ها زنان و دختران در معرض تهدیدات تجاوز به عنف، بهره‌کشی جنسی، قاچاق، تحقیر جنسی و قطع عضو قرار می‌گیرند. تجاوز و خشونت علیه زنان و کودکان در برخی از درگیری‌ها به یک استراتژی تبدیل شده است. تحقیقات مربوط به درگیری‌های ۱۹۹۴ رواندا، حاکی از آن است که بیشتر افراد خانواده‌های زیر ۱۲ سال، قتل عام شده و یا مورد تجاوز قرار گرفتند و نزدیک به ۲۰۰۰۰ نفر در خشونت‌های

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سه، زمستان ۱۳۹۹ —
مربوط به یوگوسلاوی سابق نیز از این تعرض در آمان نبودند. (هایر^۱، ۲۰۱۹: ۷۷)
گاه از آنان برای مأموریت‌های انتحاری یا پاکسازی مین استفاده شده است.
با اینکه این خشونت آثار روانی شدیدی در آینده و پیشرفت زندگی قربانیان به جای
می‌گذارد ولی جامعه بین‌المللی در واکنش به این پدیده در جنگ‌ها و درگیری‌ها و حمایت از
قربانیان اینگونه رفتارها، اهمیت لازم را به عمل نیاورده است. (همان، ۸۸)
در سال‌های اخیر و تحت فشار نهادهای مردم نهاد، برخی از جنایتکاران جنگی در
دادگاه‌های سیرالئون و یوگوسلاوی سابق، به دست عدالت سپرده شدند؛ و حتی در نظر برخی
از نویسندگان، ممنوعیت تجاوز به عنف در مخاصمات مسلحانه در حد یک «قاعده آمره» رسیده
است. با این وجود، آنچه در زندان‌های ابوغریب در بغداد روی داده و یا توسط نیروهای حافظ
صلح و سربازان دول قدرتمند صورت می‌گیرد اگر نگوییم هیچ ولی کمتر به گوش می‌رسد که
آنان به دست عدالت سپرده شدند. مبارزه با این پدیده در جنگ‌ها و درگیری‌ها و حمایت بیشتر از
حقوق زنان و کودکان به عطف توجه بیشتر جامعه بین‌المللی نیاز دارد.

۳. حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه

اسناد متعددی در حقوق بین‌الملل از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه حمایت به عمل
می‌آورد. این اسناد را می‌توان در دو حوزه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و حقوق بین‌الملل بشر
جای داد. تا پیش از تصویب کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، حقوق بشر دوستانه از کودکان در
مخاصمات حمایت می‌کرده است.

۳.۱. حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ در موارد متعددی از کودکان
حمایت به عمل آورده است که می‌توان آن را به طور کلی در دو دسته حمایت مستقیم و
غیرمستقیم از کودکان دانست. پیش از تصویب پروتکل‌ها مجمع عمومی ملل متحد در سال
۱۹۸۹ اعلامیه حمایت از زنان و کودکان را در وضعیت‌های اضطراری و مخاصمات مسلحانه
تصویب کرد. هر چند رعایت این قطعنامه در منازعات الزام‌آور نیست اما گام مثبتی در توجه به
زنان و کودکان به عنوان قربانیان رفتار غیر انسانی و افزایش توجه به افراد آسیب‌پذیر در
مخاصمات داخلی است. (اسمیر نیخ^۲، ۲۰۱۹: ۷)

^۱. Haer

^۲. Smirnykh

بند اول:

الف: حمایت عام: کودکان در معاهدات حقوق بشردوستانه علاوه بر آنکه اصولاً غیرنظامی‌اند و نباید به آنان تعرض شود؛ به دلیل آسیب‌پذیر بودن از حمایت برخوردارند. اساساً حقوق بشردوستانه، حقوق حمایتی است و به درستی «حمایت» قلب حقوق بشردوستانه است. حمایت عام یعنی افراد بدون توجه به خصوصیات فردی شغلی جنسی و نژادی از کلیه فعالیت‌های بشر دوستانه‌ای که به منظور حفاظت از جمعیت‌های غیر نظامی به عمل می‌آید برخوردار گردند.

ب: حمایت‌های خاص: علاوه بر حمایت عام، کودکان به دلیل آسیب‌پذیر بودن از حمایت خاص که جنبه تکمیلی و اضافی دارد برخوردار می‌گردند. (مروت ۱۳۸۵: ۱۴۵) به تصریح بند اول ماده ۷۷ پروتکل اول، کودکان باید مورد احترام خاص قرار گیرند و در برابر هر شکل از حمله غیر محترمانه حمایت شوند. طرف‌های مخاصمه مراقبت و کمکی که کودکان خواه به علت سن و یا به هر علت دیگر به آن نیاز دارند برای آنان فراهم نمایند. هدف حمایت خاص از کودکان در اسناد حقوق بشردوستانه مصون داشتن و حفظ آنان از ایراد هرگونه زیان‌های روحی و جسمی است. اصولاً درباره اشخاص تحت حمایت حقوق بشردوستانه، همان مقررات خاص رفتار با بیگانگان در زمان صلح اعمال خواهد شد. بر همین اساس کودکان کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار و مادران اطفال کمتر از ۷ سال از هرگونه رفتار ممتاز به میزان اتباع دولت مربوطه، برخوردارند. به علاوه چنانچه در موارد استثنایی کودکان با کمتر از ۱۵ سال سن، به طور مستقیم در مخاصمات شرکت کنند و در اختیار طرف مخالف قرار گیرند، خواه اسیر جنگی باشند یا خیر از حمایت خاص برخوردارند. این حمایت‌ها را در موارد زیر می‌توان برشمرد:

الف- تخلیه کودکان و تاسیس مناطق ویژه (پناهگاه): دولت‌ها در زمان صلح و دول متخاصم پس از شروع جنگ می‌توانند در خاک خود و در صورت لزوم در اراضی اشغالی مناطق امن و نقاط بهداری ایجاد کنند تا زخمیان، بیماران، معلولان، پیران و کودکان کمتر از ۱۵ سال، زنان باردار و مادران کودکان کمتر از ۷ سال را از تأثیرات جنگ محفوظ دارند. همچنین دول متخاصم تلاش می‌کنند برای تخلیه بیماران و زخمیان و معلولان و پیران و زنان تازه‌زا از نواحی محاصره شده و...، به مقصد مناطق امن، توافقات محلی بین خود منعقد کنند.

مطابق ماده ۴۹ (۳) کنوانسیون چهارم، دولت اشغالگر هنگام انتقال و یا تخلیه کودکان باید به گونه‌ای اقدام کند تا حتی‌الامکان کودکان در موسسات مناسب پذیرفته شوند و از جهت سلامت» بهداشت، امنیت و تغذیه در شرایط رضایت بخش باشند و اعضای یک خانواده از همدیگر جدا نباشند. همچنین براساس مفهوم بند ۲ ماده ۵۱ کنوانسیون چهارم، به کارگیری اجباری افراد زیر ۱۸ سال توسط دولت اشغالگر ممنوع است و نمی‌توان آنان را به هیچ کاری که مستلزم شرکت در عملیات جنگی باشد وادار ساخت.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سه، زمستان ۱۳۹۹ —

دولت متخاصم تلاش خواهند کرد در دوره مخاصمات، موافقتنامه‌هایی برای آزادی و بازگشت به میهن و محل اقامت یا بستری شدن در بیمارستان در یک کشور بی طرف نسبت به بعضی طبقات بازداشتیان به ویژه کودکان و زنان باردار و مادران اطفال شیرخوار و اطفال کوچک و... منعقد سازنده هرگونه انتقال کودکان به یک کشور خارجی ممنوع است مگر دلایل اضطراری یا سلامتی و امنیت، چنین انتقالی را ایجاب نماید. در این وضعیت نیز باید انتقال به نحوی صورت گیرد که کمترین مخاطره برای کودکان داشته و امکانات لازم برای تحصیل از جمله آموزش مذهبی و اخلاقی وی، طبق خواسته والدین، در مدت دوری از وطن فراهم گردد. به منظور تسهیل بازگشت این دسته از کودکان به خانواده‌ها و میهن خود، انتقال دهندگان، برای هر کودک در صورتی که خطر یا صدمه‌ای متوجه کودک نگردد، کارتی صادر می‌کنند که علاوه بر نام و نام خانوادگی کودک مشخصات دیگری، مانند: جنسیت؛ محل و تاریخ تولد، نام کامل پدر و مادر، تابعیت، زبان مادری و زبان‌های دیگری که به آن‌ها تکلم می‌کند، نشانی خانواده وضع سلامتی، گروه خونی، هرگونه ویژگی‌های مشخصه تاریخ و محل یافتن؛ زمان و محل ترک کشور و دین کودک در آن درج می‌گردد.

همچنین در جهت حمایت مستقیم از کودکان و مادران آن‌ها دولت‌ها متعهد شدند در شرایط مخاصماتی، آزادی عبور هرگونه محموله‌های خواروبار ضروری، پوشاک و مواد مقوی مخصوص کودکان کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار یا تازه‌زا را فراهم کنند. البته این اجازه مشروط به آن است که محموله‌های مزبور از مقصد خود منحرف نشوند و یا استفاده مشهودی از آن‌ها در جهت مساعی نظامی یا اقتصادی صورت نگیرد. همچنین زنان باردار و تازه‌زا و اطفال کمتر از پانزده سال اضافه غذایی متناسب با نیازهای بدنی خود دریافت خواهند کرد. در توزیع محموله‌های امدادی، خردسالان، مادران باردار، زنان در حال زایمان و مادران شیرده در اولویت خواهند بود.

ب- شناسایی، تعیین هویت و بازگشت به خانواده: دولت متخاصم متعهدند، اقدامات لازم را معمول دارند تا کودکان کمتر از ۱۵ سال که در اثر جنگ یتیم یا از خانواده خود جدا شدند به حال خود رها نکرده و در نگهداری و اجرای مذهب و آموزش آنان تسهیل شود. آن‌ها تلاش خواهند کرد تشخیص هویت همه کودکان کمتر از ۱۲ سال به وسیله حمل یک پلاک هویت یا به هر وسیله دیگر مقدور باشد. همچنین دولت اشغالگر با کمک مقامات ملی و محلی حسن اداره موسسات پرستاری و تربیت کودکان را تسهیل خواهد کرد و هرگونه اقدام لازم برای تعیین هویت کودکان و ثبت نسب آن‌ها به عمل خواهد آورد. در هیچ حال، نمی‌توان وضعیت شخصی آن‌ها را تغییر داد یا آن‌ها را در تشکیلات و سازمان‌های تابعه خود وارد کرد.

اعضای یک خانواده بازداشت شده، مخصوصاً پدر و مادر و کودکانشان، در یک محل با هم خواهند بود، مگر دلایلی چون سلامت، جدایی میان آنان را به صورت موقت ضروری سازد.

دولت‌ها متعهد شدند تا به هر طریق ممکن به هم پیوستن مجدد خانواده‌هایی که بر اثر مخاصمات مسلحانه از یکدیگر جدا شدند تسهیل کنند.

پ- آموزش و محیط فرهنگی: مطابق ماده ۹۴ کنوانسیون چهارم دولت بازداشت‌کننده فعالیت‌های فکری، آموزشی، تفریحی و ورزشی بازداشت‌شده‌ها را تشویق خواهد کرد و آنان را برای شرکت در اینگونه فعالیت‌ها آزاد خواهد گذاشت، در تأمین این قبیل فعالیت‌ها اقدامات لازم را به عمل خواهد آورد، به ویژه اماکن مناسب در اختیار آنان خواهد گذاشت، آموزش کودکان و نوجوانان تأمین خواهد شد و آنان خواهند توانست در داخل یا خارج محل بازداشت، به مدرسه بروند و از محل‌های مخصوص برای ورزش برخوردار شوند، کودکان باید تحت تعلیم و تربیت مشتمل بر تعلیم و تربیت مذهبی و اخلاقی به صورتی که والدین و در صورت فقدان والدین سرپرستان آن‌ها مایل‌اند، قرار گیرند.

ت- ممنوعیت مجازات اعدام برای کودکان و مادران باردار: مجازات اعدام نباید نسبت به اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال دارند و زنان باردار یا مادران کودکان خردسال اجرا شود. طرف‌های مخاصمه تا بالاترین حد ممکن، اهتمام خواهند نمود که از صدور حکم اعدام در مورد زنان باردار یا مادران دارای فرزندان وابسته به آنان، به دلیل جرائم مربوط به مخاصمه مسلحانه، خودداری شود.

بند دوم:

الف) کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و پروتکل دوم ۲۰۰۰: مطابق بندهای چهارگانه ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها باید قواعد حقوق بشردوستانه را درباره کودکان رعایت نمایند، همه اقدامات ممکن را در مشارکت نکردن مستقیم کودکان زیر ۱۵ سال در مخاصمات به عمل آورند، در سنین ۱۵ تا ۱۸ اولویت را برای سن بالاتر در نظر گیرند و همه اقدامات ممکن را در مراقبت از کودکانی که از مناقشات مسلحانه آسیب می‌بینند به عمل آورند. همچنین ماده ۳۹ از دولت‌ها می‌خواهد تا در بازپروسی سریع کودکان قربانی از جمله قربانیان مخاصمات مسلحانه تسریع نمایند.

در پروتکل اختیاری مربوط به درگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه ۲۰۰۰، محدودیت‌های بیشتری برای مشارکت کودکان در مخاصمات منظور شده است. مطابق ماده دوم این پروتکل، دول عضو متعهد شدند افراد زیر سن ۱۸ سال را به خدمت سربازی در نیروهای مسلح در نیاورند و مطابق ماده سوم حداقل سن سربازگیری داوطلبانه یعنی ۱۵ سال را افزایش دهند و بپذیرند که افراد زیر سن ۱۸ سال از حمایت ویژه برخوردارند. همچنین مطابق ماده چهار، گروه‌های مسلح، متمایز از نیروهای مسلح کشور عضو نباید تحت هیچ شرایطی به سربازگیری و

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سه، زمستان ۱۳۹۹ —
یا استفاده از افراد زیر ۱۸ سال در مناقشات اقدام نمایند. دول عضو باید اقدامات مناسب قانونی را در ممنوعیت و مجازات چنین رفتارهایی به عمل آورند.
(ب) از اجلاس سران جهان ۱۹۹۰ تا آخرین گزارش جهانی ۲۰۰۷: علاوه بر دو ماده ۳۷ و کنوانسیون ۱۹۸۹، تلاش‌های دیگری در حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه انجام گرفته است که مروری بر آن‌ها خالی از فایده نیست.

سران جهان، در اجلاس سپتامبر ۱۹۹۰ در میان ۲۷ هدف مربوط به بقاء بهداشت، تغذیه آموزش و حمایت از کودکان، بر حمایت از آنان در برابر تأثیرات جنگ و توجه به نیازهای اساسی آنان در نواحی آسیب دیده و تاسیس مراکز امن تأکید کردند. (اسمیرنیک، ۲۰۱۹: ۹)
نخستین گزارش مربوط به تأثیر مخاصمات مسلحانه بر کودکان، در سپتامبر ۱۹۹۶ توسط خانم «گارسا ماشل» به مجمع عمومی ارائه شد. در فوریه ۱۹۹۷ مجمع عمومی با تصویب قطعنامه‌ای به دبیر کل توصیه می‌کند تا نماینده ویژه‌ای درباره کودکان و مخاصمات مسلحانه برگزیند. متعاقب آن «اولارا اوتونو» به این سمت برگزیده می‌شود. وی در سال ۱۹۹۸ گزارش کوتاه غیررسمی به شورای امنیت ارائه می‌دهد. برای نخستین بار در همین سال موضوع کودکان و مخاصمات مسلحانه در دستور شورای امنیت قرار می‌گیرد و منجر به صدور بیانیه رئیس شورا می‌شود.

شورای امنیت نخستین قطعنامه خود را درباره کودکان و مخاصمات مسلحانه در اوت ۱۹۹۹ با شماره ۱۲۱۶ تصویب می‌کند. این قطعنامه نگرانی عمیق خود را از تأثیر زیانبار و گسترده مخاصمات مسلحانه بر کودکان و پی آمدهای درازمدت آن بر توسعه، صلح و امنیت بادوام گوشزد می‌کند. در ژوئن همین سال، مقاله‌نامه ۱۸۲ از سوی سازمان بین‌المللی کار تصویب می‌شود. مطابق ماده سه این مقاله‌نامه، سربازگیری اجباری از کودکان و استفاده از آنان در مخاصمات مسلحانه یکی از بدترین اشکال کار کودکان اعلام شد.

در ۲۵ می ۲۰۰۰، مجمع عمومی پروتکل دوم اختیاری کنوانسیون حقوق کودک درباره سربازگیری کودکان را به تصویب می‌رساند که درباره آن بیشتر سخن گفتیم. در ماه اوت همین سال، دومین قطعنامه شورای امنیت با شماره ۱۱ صادر می‌شود، این قطعنامه اعلام می‌دارد. نقض حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در ارتباط با کودکان می‌تواند تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی باشد. بدین منظور شورا آمادگی خود را برای ملاحظه چنین وضعیت و در صورت ضرورت، برداشتن گام‌های بیشتر اعلام می‌دارد.

در ۵ نوامبر ۲۰۰۱ سومین قطعنامه شورای امنیت طی شماره ۱۴۶۰ به تصویب می‌رسد و در آن ضمن تکرار نگرانی خود در خصوص تأثیر مناقشات مسلحانه بر کودکان، از دبیر کل می‌خواهد تا در گزارش خود فهرست طرف‌های درگیر در مخاصمات را که از کودکان به عنوان

سرباز استفاده می‌کنند یا آنان را در وضعیت‌هایی قرار می‌دهند که در دستور شورای امنیت قرار دارد و یا مطابق ماده ۹۹ منشور ملل متحد توجه شورا باید به آن جلب شود ضمیمه گردد. در فوریه ۲۰۰۲، پروتکل دوم کنوانسیون حقوق کودک در مورد به کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه لازم‌الاجرا می‌شود. در مارس ۲۰۰۳ دیوان کیفری بین‌المللی تأسیس می‌شود و مطابق بند دوم ماده ۴ اساسنامه بکارگیری کودکان زیر ۱۵ سال در جنگ‌های بین‌المللی یا غیر بین‌المللی و یا بکارگیری آنان از سوی گروه‌های مسلح در زمره جنایت جنگی است. حملات عمدی به بیمارستان‌ها و مدارس، تجاوز جنسی و دیگر خشونت‌های جنسی علیه کودکان، جنایت جنگی محسوب می‌شود و دیوان در رسیدگی به اینگونه جرائم صلاحیت دارد. براساس صلاحیت تکمیلی دیوان، کشورها یا مرتکبان اینگونه جنایات را محاکمه می‌کنند و اگر نخواهند و یا نتوانند محاکمه کنند، صلاحیت دیوان محفوظ است.

در ژانویه ۲۰۰۳، چهارمین قطعنامه شورای امنیت با شماره ۱۴۶۰ تصویب و از دبیر کل می‌خواهد درباره حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه گزارش ویژه‌ای تهیه نماید. در آوریل شورای امنیت پنجمین قطعنامه خود را با شماره ۱۵۳۹ درباره کودکان و مخاصمات مسلحانه تصویب و از دبیر کل می‌خواهد تا فوراً برنامه عمل جامع و ساز و کار نظارتی درباره بکارگیری و سربازگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه و تاثیرات ناشی از به کارگیری آنان در مخاصمات تهیه نماید. ژوئیه ۲۰۰۵، شورا ششمین قطعنامه خود را با شماره ۱۲۱۶ در خصوص ساز و کار نظارت و گزارش‌دهی درباره کودکان و مخاصمات مسلحانه تصویب می‌کند و گروه کاری بدین منظور تشکیل می‌شود. در ۷ فوریه ۲۰۰۷ خانم «کماراسامی» به عنوان نماینده ویژه دبیر کل در امور کودکان و مخاصمات مسلحانه منصوب می‌شود و در دسامبر ۲۰۰۷ گزارش وی توسط مجمع عمومی و شورای امنیت منتشر می‌شود. این گزارش جدیدترین سند در بیان وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه در سراسر جهان است. بررسی تفصیلی آن از عهده این مقاله بیرون است ولی به دلیل اهمیت آن گفتار بعد را با تکیه بر این گزارش پی می‌گیریم.

۳.۲. سایر اسناد بین‌المللی

به غیر از اسناد مرتبط با حقوق بشر دوستانه، اسناد بین‌المللی دیگری نیز به موضوع حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه پرداخته‌اند که لازم است این حقوق مورد احترام و حمایت قرار گیرد.

۳.۲.۱. کنوانسیون حقوق کودک

این کنوانسیون مهمترین سند بین‌المللی برای حمایت همه جانبه از کودکان است که اساس

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سه، زمستان ۱۳۹۹ —

تفکر بین‌المللی برای بقاء رشد و حمایت از کودکان را در نظر دارد. در زمان تدوین کنوانسیون تحرک و مباحث زیادی وجود داشت که تمهیدات آن به هیچ ترتیب موازین موجود حقوق بشر دوستانه را کم نکند. بطوری که مجمع عمومی از دولت‌ها می‌خواهد که در توسعه موازین جدید بین‌المللی به چارچوب‌های موجود توجه داشته باشند (مصفا، ۱۳۸۵: ۴۸).

ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک از دولت‌ها می‌خواهد که به قواعد حقوق بشر دوستانه قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه احترام بگذارند و احترام به آن را تأمین نمایند. بند چهارم ماده مزبور می‌خواهد که دولت‌ها تمام معیارهای لازم را برای تأمین حمایت و مراقبت از کودکانی که در مخاصمات مسلحانه آسیب می‌بینند به کار گیرند. مواد ۳۴ و ۳۵ کنوانسیون حقوق کودک تجاوز و خشونت‌های جنسی علیه کودکان را ممنوع می‌سازد.

لازم به ذکر است خلاء موجود در کنوانسیون راجع به طرح سن کمتر برای شرکت کودکان در مخاصمه مسلحانه به واسطه وجود پروتکل الحاقی به کنوانسیون در سال ۲۰۰۰ مرتفع گردید. البته قبل از تصویب این پروتکل نیز کمیته حقوق کودک در تفسیر خود از ماده ۳۸، مطرح کرد که در پرتو تعریف کودک که افراد زیر هجده سال را تحت پوشش قرار می‌دهد و اصول بهترین منافع کودک، هیچ فرد زیر هجده سال نباید به طور مستقیم و غیرمستقیم در مخاصمات مسلحانه درگیر شود. به علاوه کمیته فوق در اولین جلسه خود در سال ۱۹۹۱ به موضوع کودکان و تعارضات مسلحانه توجه نموده و نیاز به طرق مؤثر برای حمایت از کودکان را در مخاصمات مسلحانه مطرح نمود (مصفا، ۱۳۸۵: ۵۲۳).

۳.۲.۲. منشور آفریقایی راجع به حقوق و رفاه کودک

یکی از مواردی که در عرصه حقوق کودک، دارای اهمیت بسیاری بوده عنایت به «بهترین منافع کودکان» می‌باشد. همانگونه که می‌دانیم این عبارت برای اولین بار در کنوانسیون حقوق کودک درج شده است و اساساً عبارتی حقوق بشری است. لیکن در سند پیش گفته، حمایت از کودک چه در عرصه‌های حقوق بشری و چه در مخاصمات مسلحانه مورد توجه است. دومین نکته حائز اهمیت در این سند، تعیین سن دقیق برای تعریف مفهوم کودک است. ماده ۲ این منشور کودکان را افراد انسانی می‌داند که سن زیر ۱۸ سال دارند. البته سن دقیق کودک در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو واضح نیست. گاهی از سن ۱۲ سال، گاهی از سن ۱۵ سال و گاهی نیز از ۱۸ سال نام می‌برد و همواره در حوزه مطالعات حقوق بین‌الملل بشردوستانه این تردید وجود داشت که حداقل سن واقعی کودک چند سال می‌باشد. منشور آفریقایی با تعیین معیار سنی ۱۸ سال، چتر حمایتی خود را بر سر افراد بیشتری قرار داده است. در ماده ۲۲ این منشور، دولت‌های عضو احترام و تضمین به احترام قواعد حقوق بشردوستانه

بین‌المللی در تعارض مسلحانه‌ای که بر کودکان تأثیر می‌گذارد را بر عهده می‌گیرند و تعهد می‌نمایند که تمامی تدابیر ضروری برای عدم شرکت مستقیم کودک در مخاصمات مسلحانه و خودداری از سربازگیری از میان کودکان را اتخاذ نماید. همچنین منشور تصریح می‌نماید که این تعهدات تنها در مورد مخاصمات بین‌المللی نیست، بلکه در مخاصمات مسلحانه داخلی نیز بر عهده دولت‌ها می‌باشد. دولت‌های عضو همچنین در خصوص بازگرداندن مجدد کودکان که بر اثر تعارضات مسلحانه از پدر و مادرشان جدا شده‌اند، به آغوش خانواده‌هایشان تدابیر خاص اتخاذ خواهند نمود (ماده ۲۵). نکته دیگر این منشور، ایجاد سیستم گزارش‌دهی می‌باشد. براساس منشور، دولت‌ها موظف به ارائه گزارشی به کمیته (ماده ۳۲) در خصوص نحوه اجرای این عهدنامه می‌باشد (ماده ۴۳)، که این خود در اعتلای قواعد حمایتی در مورد کودکان بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در وضعیت اضطراری در مخاصمات مسلحانه (۱۹۷۴) که به کوشش مجمع عمومی در ۳۰ ژانویه سال ۱۹۷۴ تصویب گردید، به برخی قواعد در قبال زنان و کودکان که بیشترین قربانیان درگیری‌های مسلحانه هستند همچون منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی و میکروبی طی مخاصمات علیه زنان و کودکان، تأکید بر منع برخی اعمال از قبیل تعقیب، شکنجه، مجازات و دیگر اعمال خشونت‌آمیز نسبت به زنان و کودکان، شناسایی حق زنان و کودکان جهت داشتن سرپناه، دارو و سایر کمک‌های انسان دوستانه و با تأکید و توجه به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر، تأکید نمود.

همچنین اعلامیه اصول اجتماعی و قانونی مربوط به حمایت و رفاه کودکان با رجوع ویژه به تعیین محل نگهداری و فرزندخواندگی ملی و بین‌المللی (۱۹۸۶) که در یک مقدمه و ۲۴ ماده تنظیم شده نتیجه روند رو به گسترش کودکان بی‌سرپرست و قربانی مخاصمات داخلی و دیگر اشکال خشونت در سرتاسر جهان می‌باشد که به کوشش مجمع عمومی در تاریخ ۳ دسامبر ۱۹۸۶ طی قطعنامه‌ای تصویب شد. این اعلامیه ضمن اظهار نگرانی از افزایش تعداد کودکان بی‌سرپرست ناشی از بلایای طبیعی و نیز مخاصمات و درگیری‌های مسلحانه از دولت‌ها می‌خواهد که به طور همه جانبه با این امر مقابله نموده و اصول زیربنایی همچون عنایت دولت‌ها به تقدم رفاه کودک و خانواده، مراقبت از کودکان تحت سرپرستی والدین به عنوان مهمترین اصل جهت حفظ منافع کودک، اتخاذ سازوکارهای مناسب جهت حضانت و سرپرستی از کودکان در شرایط عدم امکان مراقبت توسط والدین و یا خویشاوندان، شناسایی حق کودک مبنی بر داشتن ملیت، هویت و آگاهی وی از هویت خویش و فرزند خواندگی، را در این باره ارائه می‌دهد. این اعلامیه فرزند خواندگی را یک حق بشری کودک قلمداد می‌کند، حقی که طرف دیگر آن تکلیف جامعه و دولت‌ها را می‌طلبد.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سه، زمستان ۱۳۹۹ —

پروتکل اختیاری منضم به کنوانسیون حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه که سازمان ملل با تصویب این پروتکل ورود اطفال را در مخاصمات مسلحانه ممنوع نمود. بدین منظور و در جهت تکمیل کنوانسیون حقوق کودک، از طرف سازمان ملل گروه کاری تشکیل گردید. حاصل کار فعالیت‌های این گروه تدوین پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه بود. از نظر کمیسیون حقوق بشر و کمیته حقوق کودک، تدوین پروتکل و اجرای آن، گام موثری در جهت تأمین حداکثر منافع کودکان تلقی می‌شود (مصفا، ۱۳۸۳: ۲۱). پروتکل که در سال ۲۰۰۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید، تا اکتبر ۲۰۰۵ به امضای ۱۲۱ کشور رسیده و ۱۰۲ کشور به عضویت آن در آمده‌اند. البته قبل از تصویب این پروتکل، کمیته حقوق کودک در تفسیر خود از ماده ۳۸، عنوان نمود که در پرتو تعریف کودک که افراد زیر ۱۸ سال را در بر می‌گیرد و اصول بهترین منافع کودک، هیچ فرد زیر ۱۸ سال نباید به طور مستقیم و غیرمستقیم درگیر مخاصمات شود (مصفا، ۱۳۸۳: ۴۸).

پروتکل در تکمیل ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک، منع ورود به مخاصمات مسلحانه را از پانزده سال به هجده سال افزایش داده و در ماده ۱ دولت‌ها را ملزم کرده است به منظور جلوگیری از شرکت اطفال زیر هجده سال در مخاصمات مسلحانه تدابیر مقتضی انجام دهند و تدابیر قانونی و اجرایی و دیگر راهکارها را برای تضمین اجرای موثر مقررات این پروتکل در کشور مربوطه‌شان اتخاذ کنند (بند ۱ ماده ۶). نه تنها کشورها ملزم به اجرای پروتکل هستند بلکه به منظور تضمین اجرای آن هر یک از دولت‌های عضو ظرف دو سال از شروع به اجرای پروتکل باید گزارشی به کمیته حقوق بشر در مورد اقداماتی که در جهت اجرای پروتکل اتخاذ کرده‌اند ارائه دهند (بند ۱ ماده ۸). ارائه گزارش هر پنج سال یک بار تکرار خواهد شد (بند ۲ ماده ۸). حمایت از حق کودک تا بدان حد مهم است که بنا بر بخش ۲۶ قسمت «ب» از بند ۲ ماده ۸ اساسنامه رم، بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان کمتر از پانزده سال در نیروهای مسلح ملی یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت در فعالیت‌های نظامی، جنایات جنگی شناخته شده و مرتکبین در دیوان قابل محاکمه‌اند) ر.ک: ماده ۳۸ کنوانسیون ۱۹۸۹ و ماده ۷۷ پروتکل اول (الحاقی). براساس اساسنامه، نه تنها به کارگیری اطفال در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی «جنایات جنگی» محسوب شده، بلکه بنا بر بند ۷ قسمت «ج» ماده مذکور، در حالت وقوع مخاصمه مسلحانه داخلی نیز به کارگیری اجباری و داوطلبانه کودکان کمتر از پانزده سال جنایت جنگی به حساب می‌آید. نکته مهم آن که اساسنامه به کارگیری داوطلبانه کودکان را همانند به کارگیری اجباری دانسته است (حبیب زاده و مقدسی روئین، ۱۳۸۵: ۶۳/۵۵).

هر چند اذعان می‌شود این پروتکل توسط گروه کاری که طی قطعنامه ۱۹۹۴/۹۱ کمیسیون حقوق بشر در خصوص مسأله سربرازگیری از میان کودکان تشکیل شد، در مورخه ۲۵ می ۲۰۰۰ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد و در مورخ ۱۲ فوریه سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردید. از نظر کمیسیون حقوق بشر و کمیته حقوق کودک تدوین این پروتکل و اجرای آن گام موثری در جهت تأمین حداکثر منافع کودک تلقی می‌شود. به طور خلاصه در این پروتکل اصل تعیین حداقل سن و افزایش آن توسط دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفته و سایر موارد پیش‌بینی شده در پروتکل شامل اتخاذ تدابیر ضروری جهت جلوگیری و منع شرکت کودکان در جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه، تضمین ممنوعیت سربرازگیری و ورود داوطلبانه کودکان به نیروهای مسلح، ارائه گزارشی به کمیته حقوق کودک توسط دولت‌ها در مورد چگونگی اجرای مفاد پروتکل حاضر و همچنین در این سند، توصیه شده که دولت‌ها حتی‌الامکان از ایراد «حق شرط» پرهیز نمایند، می‌باشند.

۳.۲.۳. قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در ایجاد عرف بین‌المللی

در این بین پرسشی که مطرح است اینکه آیا این قطعنامه‌ها می‌توانند به مثابه اسنادی الزام‌آور متجلی گردند و دولت‌ها را به الزامات مندرج در آن پایبند نمایند؟ به هر حال برای پاسخ به این سوالات منبع موثقی که می‌شناسیم، بیانیه انجمن حقوق بین‌الملل تحت عنوان «اصول حاکم بر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی عام» می‌باشد که هر چند تنها قطعنامه‌های مجمع عمومی را مدنظر دارد و لیکن به نظر می‌رسد که با توجه به وحدت ملاک بتوان آن را به قطعنامه‌های شورای امنیت نیز تسری داد به ویژه زمانی که قطعنامه‌های شورا با اتفاق آراء و بدون اعتراض دیگر کشورها به تصویب برسد؛ موید این امر (یعنی امکان استفاده از وحدت ملاک) بند ۴ از بخش پنجم این اعلامیه می‌باشد که مقرر می‌دارد: «اگرچه مباحث تئوری بر روی قطعنامه‌های مجمع عمومی متمرکز بوده است، قطعنامه‌های سایر سازمان‌های بین‌الدولی جهانی نیز می‌تواند از لحاظ تئوری به شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی عام به نحو مشابهی کمک نمایند.» به علاوه در این خصوص از اصل قیاس اولویت نیز می‌توان استفاده نمود و قطعنامه‌های شورای امنیت را تحت شرایطی حتی از دیگر قطعنامه‌ها برتر دانست (به عنوان نمونه می‌توان به نقش شورای امنیت در تثبیت مفهوم موسع از دفاع مشروع در قضیه ۱۱ سپتامبر اشاره کرد). به هر حال ماده ۲۸ این اعلامیه اشعار می‌دارد: «... قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل در برخی موارد ممکن است به عنوان گواه حقوق بین‌المللی عرفی موجود لحاظ شوند، به شفافیت حقوق عرفی که در حال ظهور کمک نمایند یا اینکه در تشکیل حقوق عرفی جدید، موثر باشند ولی به

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سه، زمستان ۱۳۹۹ —
عنوان یک قاعده کلی و منوط به مقرر ماده ۳۲ آن‌ها به خودی خود نمی‌تواند حقوق عرفی
جدیدی را ایجاد نمایند».

شیوه‌ای که قطعنامه‌های مجمع عمومی می‌توانند به حقوق بین‌الملل عرفی گواهی
دهند و یا بر توسعه حقوق بین‌الملل عرفی کمک کنند، همان شیوه‌ای است که معاهدات این آثار
را بر عرف می‌گذارند. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود راجع به
مشروعیت تهدید یا توسل به تسلیحات هسته‌ای بیان داشته: «قطعنامه‌های مجمع
عمومی در شرایط خاصی می‌توانند دلیل مهمی برای اثبات وجود یک قاعده یا ظهور و
اعتقاد حقوقی (نسبت به یک قاعده) باشند». البته نماینده ایتالیا نیز در کمیته ششم مجمع
عمومی اعلام داشت: «قطعنامه‌ها یا بیانیه‌های کلی سازمان ملل ... می‌توانند بیان‌کننده
قواعد عرفی موجود باشند». ماده ۳۰ اعلامیه بالصرحه اشعار می‌دارد «قطعنامه‌های
مجمع عمومی می‌توانند (ولی نه ضرورتاً) به عنوان منبع تاریخی یا مادی قواعد عرفی جدید
محسوب شوند». معذالک اگر به شرایط نحوه تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع
عمومی بنگریم، در می‌یابیم که اکثر این قطعنامه‌ها یا با اتفاق آراء و یا اکثریت قریب به اتفاق
آراء مورد تصویب قرار گرفته‌اند که به نظر می‌رسد تصویب این قطعنامه‌ها ناشی از یک عزم و
اراده بین‌المللی بوده است.

مسأله حمایت از قربانیان جنگ مسأله‌ای بوده که اکثر کشورهای دنیا پیگیر آن بوده‌اند و
همانگونه که پیشتر نیز اشاره شد، در سپتامبر سال ۲۰۰۰ تمامی دولت‌های عضو در مجمع
عمومی متعهد شدند که حمایت‌های خویش را در مورد کودکان مطابق حقوق بین‌الملل
بشردوستانه ارتقاء بخشیده و تقویت نمایند. صدور اعلامیه‌های گوناگون در خصوص
فرزندخواندگی کودکان بی‌سرپرست و نیز حمایت از زنان و کودکان در درگیری‌های
مسلحانه توسط مجمع عمومی آن هم با شرایط بسیار مطلوب و رأی قریب به اتفاق دولت‌ها،
خود نشان از قصد جامعه جهانی در توسعه و تحول قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی دارد.

نتیجه‌گیری

کودکان همانند زنان آسیب‌پذیرترین اقشار جوامع می‌باشند خصوصاً در مخاصمات مسلحانه
که میزان امنیت در حد بالایی کاهش می‌یابد و روحیه خشونت‌گری بر روابط متخاصمان حاکم
می‌گردد. در چنین شرایطی آنان در معرض بیشترین خطرها و آسیب‌ها قرار می‌گیرند. کودکان
حتی بیشتر از زنان تصویر کاملاً نمایانی از قربانیان بیگناه در درگیری‌های مسلحانه اعم از
بین‌المللی و غیر بین‌المللی را نشان می‌دهند که باید مورد حمایت و احترام واقع شود. بر این
اساس، یکی از موارد رعایت حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، رعایت حقوق

کودکان در خلال مخاصمات مسلحانه و مصون ماندن آنان از خطرات و بلایای ناشی از آن می‌باشد. اصلی که امروزه افکار عمومی آن را تصدیق نموده و برای آن ضمانت‌های اجرایی قائل می‌شود. اگرچه نقض حقوق غیر نظامیان به ویژه حقوق کودک از چندین دهه قبل، یک جنایت بین‌المللی محسوب می‌گردید، اما در حال حاضر علاوه بر ممنوعیت قراردادی و عرفی این حملات و قابل تعقیب بودن عاملان آن بر پایه اسناد بین‌المللی موجود، محاکمی همچون دیوان کیفری بین‌المللی تأسیس گردیده‌اند تا براساس شمول صلاحیت خویش به اینگونه جرایم رسیدگی نمایند. انعکاس حمایت از حقوق کودکان را می‌توان در تمامی مراحل مخاصمه و قبل و بعد آن در اسناد بین‌المللی ملاحظه نمود. مع‌الوصف، نقض قواعد مندرج در این اسناد، امروزه موجبات مسئولیت کیفری مرتکبین را به عنوان مجرمان جنگی فراهم می‌آورد. در این بین، نباید از جایگاه و نقش سازمان‌ها و نهادی بین‌المللی همچون کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نهادهای ملی صلیب سرخ و هلال احمر، کمیته حقوق بشر، شورای امنیت و نهادهای امدادی در جهت گسترش، تحول و ترویج حقوق کودک غافل ماند. چرا که هر یک از این نهادها به نوبه خود در ایفای وظایف خویش به نحوی مطلوب اقداماتی را انجام داده‌اند. در خاتمه، اذعان می‌شود که مقررات موجود در اسناد بین‌المللی به طور عام و خاص، هر چند که در زمان مخاصمات مسلحانه فرصت اجرا می‌یابند و اساساً این حقوق مربوط به دوره مخاصمه است، اما برای اجرای مطلوب آن باید فرصت زمان صلح و آرامش را غنیمت شمرده و با آموزش و تبیین این مقررات برای آشنایی همگانی و ارتقای آموخته‌های دست اندرکاران نظامی همت گمارد. پیرامون وضعیت حقوقی کودکان در مخاصمات مسلحانه در اسناد متعددی از جمله در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن، کنوانسیون حقوق کودک، منشور آفریقایی راجع به حقوق و رفاه کودک و قطعنامه‌های شورای امنیت حمایت‌های ضروری مدنظر قرار داده‌اند. همچنین در آراء مختلف دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا نیز به موضوع حقوق کودکان هم از منظر سرپازگیری و هم از منظر آسیب‌های در جنگ پرداخته شده که از این منظر شاهد توسعه گفتمان حقوقی حاکم بر وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه هستیم.

منابع

- آزمایش، علی (۱۳۸۷)، «مفهوم بی‌کیفری در حقوق بین‌المللی»، مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی‌کیفری، انتشارات انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، چاپ اول.
- ابی‌صعب، روزمری، «حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در منازعات داخلی»، در: دانیل وارنر، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، ترجمه سلاله حبیبی امین، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.
- اقلیما، مصطفی (۱۳۸۴)، کارگاه آموزشی بررسی ابعاد حقوقی و روانشناسی آزار جنسی کودکان، تهران، خبرگزاری ایسنا.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۸)، «حمایت‌های بین‌المللی از اطفال و نوجوانان بزهکار».
- باقی، عمادالدین (۱۳۸۴)، «گونه‌شناسی حقوق پایمال شده کودکان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۷)، «موانع احای بی‌کیفری»، مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی‌کیفری، انتشارات انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، چاپ اول.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و مقدسی روئین، محمد باقر (۱۳۸۵)، «درآمدی بر حمایت کیفری از اطفال بزه‌دیده در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی»، نامه مفید، شماره ۵۵.
- حبیبی مجنده، محمد (۱۳۸۶)، «حق سلامتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه حقوق بشر، شماره ۱.
- داشاب، مهریار (۱۳۸۵)، «سیر تحول جنبش الغای مجازات اعدام در شورای اروپا»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۸.
- راجرز، آنتونی و مارلب (۱۳۸۲)، پل، قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، انتشارات امیرکبیر.
- رضانی قوام آبادی (۱۳۸۳)، محمدحسین، «تأملی چند بر منابع قراردادی حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی»، مجله تخصصی الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۳.
- رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۲)، «حمایت از غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه»، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق بشردوستانه بین‌المللی (بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین‌المللی)، نشر سرسم.
- کشاورز، شهربانو بهارک (۱۳۸۰)، مداخله و کمک‌های بشردوستانه در شورش‌ها و جنگ‌های داخلی، چاپ اول، نشر کشاورز.
- کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، «الف» (۱۳۸۱)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ترجمه هاجر سیاه‌رستمی، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر.

وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه

- کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، «ب» (۱۳۸۱)، آشنایی با حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، چاپ اول، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.
- کوچ نژاد، عباس (۱۳۷۸)، «اشوب‌های داخلی در حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مروت، مجتبی (۱۳۸۵)، «حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۸.
- مصفا، نسرين (۱۳۸۲)، «ارزیابی سازوکارهای ملل متحد در حمایت از حقوق بشر: ارکان مبتنی بر منشور و معاهدات»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۳۱.
- مصفا، نسرين «تحت نظر» (۱۳۸۳)، کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- مصفا، نسرين (۱۳۸۵)، «کودکان و تعارضات مسلحانه» مجموعه مقالات همایش نهضت بین‌المللی صلیب سرخ، هلال احمر و حقوق بشردوستانه، تهران: انتشارات کلام شیدا، چاپ اول.
- مصفا، نسرين «الف» (۱۳۸۶)، «حقوق بشر، جهان شمولی و نسبییت فرهنگی»، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت معلم تهران، شماره ۲.
- مصفا، نسرين «ب» (۱۳۸۶)، «میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، قم.
- ممتاز، جمشید و قربان نیا، ناصر (۱۳۸۵)، «چارچوب هنجاری نظام بین‌الملل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، نامه مفید، شماره ۵۵.
- مولایی، یوسف (۱۳۸۲)، «پناهندگی و آوارگی در درگیری‌های مسلحانه»، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (بررسی تحولات اخیر بشر دوستانه بین‌المللی، نشر سرسم.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۷)، «بی‌کیفری ناشی از خلاهای موجود در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی»، مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی‌کیفری، انتشارات انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، چاپ اول.
- نجفی توانا، علی (۱۳۸۴)، «سن مسولیت کیفری اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین‌المللی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۴۱.
- نوری، سیدمسعود (۱۳۸۶)، «پروتکل الحاقی به پیمان‌نامه حقوق کودک درباره فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان و بررسی الحاق ایران به آن»، فصلنامه حقوق بشر، شماره ۱.
- نواب دانشمند، فریبا (۱۳۸۶)، «بررسی برخی از روش‌های آموزش حقوق بشر»، مجله حقوقی، شماره ۳۷.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سه، زمستان ۱۳۹۹ —

- عمید حسن (۱۳۷۴) فرهنگ عمید ج ۴ تهران مؤسس و انتشارات امیر کبیر.

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲) حقوق بین الملل بشر دوستانه، چاپ دوم، نشر گنج دانش.

- Smirnykh, Sergey(2019) International Legal Status of Child Soldiers as participants of Armed Conflicts, Russian Journal of Comparative Law, 6(2)
- Haer, Roos(2019) Children and armed conflict: looking at the future and learning from the past, Third World Quarterly, 40(1)